



# مجله اخلاق زیستی

دوره یازدهم، شماره سی و ششم، ۱۴۰۰  
<https://doi.org/10.22037/bioeth.v11i36.33363>



مقاله پژوهشی

## جستاری اخلاقی و حقوقی بر مفهوم، مبانی و ملاک‌های تناسب جرم و مجازات با نگرشی بر حقوق جنایی اخلاق زیستی

مریم قاضیان<sup>۱</sup>، علیرضا میرکمالی<sup>۲\*</sup>، اکبر رجبی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.
۲. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۳. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

### چکیده

**زمینه و هدف:** حقوق جنایی اخلاق زیستی به مجموعه حقوق حاکم بر حقوق جنایی اطلاق می‌گردد که متکی بر اصول محوری اخلاق زیستی است. یکی از مقوله‌هایی که در حقوق جنایی باید متکی بر اصول اخلاق زیستی باشد، تناسب جرم و مجازات است که این پژوهش از جهت یادشده، اهمیت به سزایی دارد و در واقع، هدف اصلی پژوهش حاضر، معرفی مبانی و ملاک‌های مقوله تناسب در حقوق جنایی اخلاق زیستی است.

**مواد و روش‌ها:** این مطالعه با روش توصیفی - تحلیلی، در ابتدا دو اصل مهم اخلاق زیستی را اصول بنیادین پژوهش قرار داده و ارتباط این اصول با مقوله تناسب را بررسی نموده است؛ سپس به تحلیل مفهومی و مبنایی مقوله تناسب جرم و مجازات در حوزه مورد بحث پرداخته و در نهایت ملاک‌های تناسب در امور کیفری را مورد بررسی قرار داده است.

**ملاحظات اخلاقی:** در انجام این تحقیق، موازین مربوط به اخلاق در پژوهش و امانتداری در ارجاعات پژوهش، رعایت گردیده است.

**یافته‌ها:** ممنوعیت مجازات‌های نامتناسب یکی از مسائل بسیار مهم در حقوق کیفری است که امروزه اصل حاصل از آن اصل تناسب جرم و مجازات نامیده می‌شود. حمایت کیفری از اخلاق همواره محل تأکید فلاسفه اخلاقی بوده است، اما این پژوهش به حمایت اخلاق و مؤلفه‌های آن از کیفردهی می‌پردازد. بر این مبنای، ممنوعیت مجازات‌های نامتناسب که ریشه‌ای اخلاقی و حقوقی دارند، باید مورد تحلیل اخلاقی و حقوقی قرار گیرند تا کیفردهی مدرن به منصف ظهور برسد.

**نتیجه‌گیری:** این پژوهش به بررسی اخلاقی و حقوقی ممنوعیت مجازات‌های نامتناسب در حقوق کیفری با تأکید بر دو مؤلفه اخلاقی عدالت و کرامت انسانی پرداخته و به این نتایج دست یافته است که مطابق با مبانی اخلاقی کرامت انسانی و اجرای عدالت کیفری و پایه‌های تقنینی، کیفردهی باید متناسب با جرم ارتكایی باشد و لزوم رعایت اصل تناسب در حقوق کیفری بر پایه‌های حقوقی و اخلاقی در دو مرحله قانونگذاری و کیفردهی امری بدیهی و ضروری است. اصل احترام به اشخاص و ضرررسانی نیز به عنوان اصول مهم اخلاق زیستی با برقراری تناسب جرم و مجازات، حقوق جنایی اخلاق مداری را شکل می‌دهد که محقق‌کننده سیاست کیفری عادلانه و حکیمانه است.

### اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۷/۲۷

### واژگان کلیدی:

تناسب جرم و مجازات

کرامت انسانی

حقوق جنایی اخلاق زیستی

اصل احترام به اشخاص

اصل ضرررسانی

\* نویسنده مسؤول: علیرضا میرکمالی

آدرس پستی: ایران، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی.

کد پستی: ۵۵۱۳۸۶۸۱

پست الکترونیک:

[a\\_mirkamali@sbu.ac.ir](mailto:a_mirkamali@sbu.ac.ir)

## ۱. مقدمه

در روزگاران نخستین، جرم هنوز به عنوان یک پدیده انسانی و اجتماعی شناخته نشده بود و به عنوان یک عمل کاملاً شیطانی و خبیث قلمداد می‌شد و نه تنها مجرم، بلکه خانواده وی نیز دارای مسئولیت کیفری بود. همین مطالعات دوره‌های متعدد سبب شده بود که آگوست کنت بر مبنای قانون حالات سه‌گانه، دوره‌هایی را ترسیم نمود که بر مبنای آن: در دوره اول هیچ تناسبی بین جرم و مجازات مشاهده نمی‌گردد و در دوره دوم که مشهور به عصر روشنگری است، اشخاصی همچون بکاریا و بنتام، سودمندی مجازات‌ها را مطرح نمودند که همین امر سبب شد تا به بحث تناسب جرم و مجازات اهمیت خاصی داده شود (۱). در واقع با مطرح شدن مکاتب و نظریات جرم‌شناسی و طرح بینش‌هایی فلسفی که شالوده اصلی فلسفه حقوق کیفری محسوب می‌شوند، تناسب جرم و مجازات نیز در پرتو این مباحث به منصفه ظهور رسید.

پرواضح است که جایگاه اخلاق و مؤلفه‌های اخلاقی در حقوق کیفری از یکسو همواره مورد تأکید حقوقدانان و فلاسفه حقوقی - اخلاقی بوده است و از سوی دیگر، شناخت اخلاق و مؤلفه‌های آن و امکان کاربرد آن در حقوق کیفری محل بحث و مناقشه‌های فراوانی قرار گرفته است. این بحث‌ها و مناقشه‌های فراوان که در مکاتب حقوق کیفری و فلسفه حقوق کیفری مشاهده می‌گردد، بیشتر در مرحله نخست حقوق کیفری ظاهر می‌گردد که همانا مرحله جرم‌انگاری است. یکی از مبانی اخلاقی که برای جرم‌انگاری یک رفتار در نظام‌های مختلف حقوقی مورد توجه قرار گرفته است، اصل اخلاق‌گرایی قانونی است. مطابق این اصل، صرف غیر اخلاقی بودن عمل، مبنای دخالت کیفری واقع می‌شود. در بسیاری از پژوهش‌های حقوقی و اخلاقی، بررسی این اصل به چشم می‌خورد، اما سؤال اساسی اینجاست که آیا اخلاق و توجه به مؤلفه‌های اخلاقی در نظام حقوق کیفری فقط در مرحله جرم‌انگاری است؟ به نظر می‌رسد که این‌گونه نیست. در نظام حقوق

کیفری برای تحلیل اخلاقی و حقوقی باید دو مرحله را متصور شویم: ۱- مرحله جرم‌انگاری (تعیین جرم و کیفر)؛ ۲- مرحله کیفردهی (تعیین مجازات متناسب). در واقع بحث اصلی این پژوهش حمایت اخلاقی از تعیین کیفر است نه حمایت کیفری از اخلاق. همان‌گونه که اصل برائت کیفری از مهم‌ترین اصول و قواعد عمومی هدایتگر حقوق جزا است و ریشه‌ای اخلاقی تحت عنوان کرامت انسانی دارد (۲)، اصل تناسب جرم و مجازات و ممنوعیت مجازات‌های نامتناسب نیز ریشه‌هایی اخلاقی در حقوق کیفری دارند. این پژوهش به جهت داشتن رویکردی نوین در خصوص حقوق جنایی اخلاق زیستی دارای ابتکار و نوآوری پژوهشی بوده و با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی اخلاقی و حقوقی ممنوعیت مجازات‌های نامتناسب در حقوق کیفری با تأکید بر دو مؤلفه اخلاقی عدالت و کرامت انسانی می‌پردازد، چراکه امروزه این امر اثبات شده است که موضوعات و مباحث اخلاق زیستی میان‌رشته‌ای هستند (۳) و یکی از جنبه‌های این موضوع در حقوق جنایی اخلاق زیستی نمایان می‌گردد. حقوق جنایی اخلاق زیستی به مجموعه حقوق حاکم بر حقوق جنایی اطلاق می‌گردد که متکی بر اصول محوری اخلاق زیستی است. از آنجایی که حقوق یکی از رشته‌های اصلی مورد توجه در اخلاق زیستی است (۴)، بررسی حقوق جنایی در اخلاق زیستی حائز اهمیت است. ممنوعیت مجازات‌های نامتناسب که ریشه‌ای اخلاقی و حقوقی دارند، باید مورد تحلیل اخلاقی و حقوقی قرار گیرند تا کیفردهی مدرن به منصفه ظهور برسد. این پژوهش از جهت بررسی مقوله تناسب به عنوان یکی از جلوه‌های مطرح‌شده در حقوق جنایی نسبت به پژوهش‌های سابق دارای ابتکار و نوآوری است. برای نیل به این هدف بعد از شناخت اصول بنیادین حقوق جنایی اخلاق زیستی، مفهوم و مبانی تناسب جرم و مجازات مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس ملاک‌های تناسب مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

## ۲. ملاحظات اخلاقی

در این تحقیق، موازین مربوط به اخلاق در پژوهش و اصل درستی و امانتداری در ارجاعات مورد استناد، رعایت گردیده است.

## ۳. مواد و روش‌ها

این مطالعه با روش توصیفی - تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای (اسنادی)، ضمن استفاده از منابع موجود مشتمل بر کتب و مقالات مرتبط، با تحلیل موضوع در ساحت نظری، ابتدا دو اصل مهم اخلاق زیستی را به مثابه اصول بنیادین مطمح نظر پژوهش مورد بحث قرار داده و ارتباط آنها را با مقوله تناسب تبیین نموده است؛ سپس به تحلیل مفهومی و مبنایی مقوله تناسب جرم و مجازات پرداخته است و در آخر نیز ملاک‌های تناسب در امور کیفری را مورد مطالعه قرار داده است.

## ۴. یافته‌ها

### ۴-۱. اصول و مبنای بنیادین حقوق جنایی اخلاق

**زیستی:** اخلاق زیستی در معنای عام، از سه قلمرو موضوعی زیست محیطی، جانوری و انسانی برخوردار است که این نوشتار صرفاً بر اخلاق زیستی از نوع انسانی آن تمرکز دارد. از این رو حقوق جنایی اخلاق زیستی انسانی را مطمح نظر دارد. در مورد اصول اخلاق زیستی، وحدت نظر وجود ندارد و هر اندیشمند و مکتب فکری اخلاق زیستی با ابتنای بر اندیشه خود، گزاره‌هایی را برگزیده است. برای نمونه، اصول بنیادین اخلاق زیستی در گزارش Belmont (۱۹۷۹ م.) عبارت‌اند از استقلال عمل، نیکوکاری و عدالت که جملگی تحت تأثیر تفکر اندیشمندان اخلاق زیستی در ارتباط با سلسله‌ای از موضوعات هستند. به نگاه عده‌ای دیگر، اصول اخلاق زیستی عبارت است از احترام به اشخاص، فایده‌رسانی، عدم زیان‌باری و عدالت، که دیدگاه اخیر به طور جدی قابل پذیرش واقع شده است (۳). در این میان، مقوله تناسب جرم و مجازات در حقوق کیفری

در سه اصل احترام به اشخاص، ضرررسانی و عدالت قابل بحث و بررسی است و باید این بررسی صورت پذیرد، چراکه تناسب جرم و مجازات، مهم‌ترین عامل در حقوق جنایی اخلاق زیستی است. این سه اصل به منزله اصول بنیادینی است که می‌توان آن‌ها را مبنای حقوق جنایی اخلاق زیستی حاکم بر تناسب جرم و مجازات دانست که در ذیل به تبیین این موارد پرداخته می‌شود.

**۴-۲. اصل احترام به اشخاص:** یکی از اصولی که در جهت تحقق اصول اخلاق زیستی مطرح می‌گردد، اصل احترام به اشخاص است که باید محترم شمرده شود. احترام به اشخاص انسانی، یکی از پایه‌های وزین حقوق جنایی اخلاق زیستی است. از آنجا که حقوق جنایی، به مثابه بارزترین اهرم و بازوی یک نظام سیاسی در راستای برقراری نظم و امنیت در جامعه برشمرده می‌شود، این بازو باید نگاه ویژه‌ای به انسان داشته باشد و در راستای انجام رسالت خویش تا می‌تواند حقوق و آزادی‌های آنان را فراموش نکند و در تعبیری کلی، احترام به آنان را تضمین نماید (۴).

یکی از مهم‌ترین مواردی که می‌تواند احترام به شخص را تضمین کند، تناسب جرم و مجازات است، چراکه مقوله تناسب، بر کیفردهی عادلانه تأکید دارد و عدالت در کیفردهی احترام به شخص را تضمین می‌کند. تناسب بین جرم و مجازات از منظر تأمین عدالت و احترام به اشخاص، مهم‌ترین عامل در حقوق جنایی اخلاق زیستی به شمار می‌رود (۵).

احترام به اشخاص که به عنوان یکی از اصول اخلاق زیستی مطرح است، پیوند عمیقی با بحث کرامت انسانی دارد. علت اصلی ممنوعیت مجازات‌های نامتناسب، مغایرت آن‌ها با کرامت ذاتی انسان است. کرامت ذاتی آن‌دسته از حیثیت و شرافتی است که تمام انسان‌ها به جهت داشتن استقلال ذاتی (آزادی اراده و اختیار)، قدرت تعقل و تفکر و وجهه و نفخه الهی به طور فطری و یکسان از آن برخوردار هستند. لازمه احترام به این حیثیت ذاتی آن است که با همه انسان‌ها به صورت برابر و

احترام به اشخاص، استفاده مناسب و حداقلی از حقوق جنایی است که آزادی عمل شخص را به مخاطره نیندازد (۱۰). برای اینکه حقوق کیفری بتواند مشروعیت و اقتدار اخلاقی و مقبولیت اجتماعی خود را حفظ کند، لازم است با احساس عدالت‌خواهی بشر که مغایر با هر نوع خشونت است، سازگار بوده و در چارچوب کرامت ذاتی انسان، رسالت اصلی خود را انجام دهد، در این صورت است که اصل احترام به اشخاص نیز تحقق پیدا می‌کند.

**۳-۴. اصل ضررنرسانی:** یکی از مهم‌ترین اصول اخلاق زیستی، اصل پیشگیری از ضرر یا ضررنرسانی است. اخلاق زیستی به عنوان شاخه‌ای جدید از اخلاق هنجاری کاربردی، به تبیین پاسخ‌ها و راهبردهای اساسی در مواجهه با پرسش‌ها و چالش‌های ناشی از ظهور و بروز فناوری‌های نوین زیستی می‌پردازد (۱۰). در واقع، اخلاق زیستی، سلامت و خوب زیستی انسان را به ارمغان می‌آورد (۱۱). اصل ضررنرسانی در اخلاق زیستی که معادل قاعده لاضرر در اسلام می‌باشد (۱۲)، ضرر را در معنای وسیعی مورد توجه قرار داده است. ضرر دارای معنایی عرفی است و از این روی رجوع به کتب لغت برای فهم آن لازم نیست، چراکه با مراجعه به آن‌ها نیز این امر روشن می‌شود که آن‌ها نیز سعی نموده‌اند که معنای عرفی ضرر را بیان نمایند (۱۳). یکی از فقهای معاصر در تعریف عرفی ضرر بیان داشته‌اند: «الضرر فقد کل ما نجد و ننتفع به من المواهب الحیات من نفس او مال او عرض او غیر ذلک؛ ضرر عبارت است از نداشتن و فقدان هر یک از مواهب زندگی، جان، مال، حیثیت و هر چیز دیگری که می‌توانیم از آن بهره‌مند شویم» (۱۴-۱۵). مطابق با این توضیح در خصوص معنای عرفی ضرر، مجازات‌های نامتناسب، ضرری را به شخص تحمیل می‌کند.

این امری بدیهی است که «حق قرارنگرفتن انسان در معرض مجازات‌های نامناسب» به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق شهروندی در قلمرو حقوق کیفری است. بسیاری از اسناد

به عنوان غایت بالذات رفتار شود. به این معنا که اولاً همه انسان‌ها از همه حقوقی که لازمه احترام به حیثیت ذاتی آنان است، مثل حق آزادی بیان، تعیین سرنوشت، به صورت یکسان و برابر برخوردار باشند؛ ثانیاً حق داشته باشند از عملی که غایت‌بودن آنان را نادیده گرفته و آنان را در حد ابزار تنزل می‌دهد، مصون باشند (۶).

امانوئل کانت در کتاب فلسفه اخلاق خود در این زمینه می‌گوید: «هر انسانی دارای این حق مشروع است که از طرف انسان‌های هم‌نوع خود مورد احترام واقع شود و خود نیز، ملزم به رعایت احترام دیگران است. خود انسانیت فی نفسه کرامت است. بنابراین نباید توسط انسان دیگر صرفاً به عنوان وسیله مورد استفاده قرار گیرد، بلکه همواره باید به عنوان هدف به کار برده شود و دقیقاً کرامت و شخصیت وی از اینجا ناشی می‌شود، کرامتی که به واسطه آن، انسان خود را مافوق تمامی موجودات غیر انسانی که می‌توانند به عنوان وسیله مورد استفاده قرار گیرند و حتی اشیاء، می‌داند» (۷). در واقع، کرامت ذاتی انسان از دیدگاه کانت که ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با استقلال ذاتی و عقلانیت خودآگاه انسان دارد، مبنای حقوق مساوی بشر است (۸).

با توجه به این مطالب، می‌توان بیان داشت که مجازات‌های شدید و نامتناسب با جرم ارتكابی از آن جهت که یک نوع استفاده ابزاری از انسان مجرم است، با حیثیت و کرامت ذاتی انسان مغایر است. انسان‌ها حق دارند در مقابل این‌گونه رفتارها و مجازات‌ها که در واقع، به معنای انکار غایت‌بودن انسان است، مصون باشند. ممنوعیت مجازات‌های نامتناسب تجلی‌گاه اخلاق و حقوق بشر است. در ارزیابی مجازات‌های متناسب علاوه بر اهمیت جرم ارتكابی باید مسؤولیت اخلاقی مجرم نیز مورد توجه قرار گیرد (۹). این استدلال با اصل مداخله حداقلی در آزادی فردی نیز مطابقت دارد که به عنوان یکی از اصول چهارگانه اخلاق زیستی از منظر Bochampe و Childers است. مطابق اصل مداخله حداقلی در آزادی عمل فردی، لازمه

باشد و لزوم برقراری تناسب، عدالت را تأمین خواهد نمود. مبنای مهمی که برای تحمیل مجازات غیر از هدف تلافی و مکافات برای مجازات در نظر گرفته می‌شود، مبنای ارضای حس عدالت‌خواهی افراد است. بدین توضیح که وقتی جرمی صورت می‌گیرد، احساس عدالت افراد، یعنی این تصور ذهنی که همه به شکل متساوی محدودیت‌هایی را پذیرفته‌اند و مطابق آن عمل می‌کنند، جریحه‌دار می‌شود.

در خصوص مجازات متناسب با جرم در حقوق کیفری بایستی ذکر کرد که ما درصدد تعیین تناسب دقیق ریاضی نیستیم، بلکه آن نوع از تناسب مد نظر ماست که ضمیر عدالت‌خواه تک افراد انسانی خواهان آن است، زیرا اصل تناسب از مقوله زیبایی است و انسان‌ها فطرتاً به آن گرایش دارند. به قول یکی از فلاسفه باید پذیرفت که احساس یا عاطفه عدالت که لاینفک از طبیعت ماست نیرویی زنده، اصیل، مستقل و منبع اولیه بسط و توسعه حقوق است. نظریه تناسب جرم و مجازات بر اساس این تعریف از عدالت است که باید به هر کس آنچه را که متعلق به اوست داد. عدالت در اینجا به معنای رعایت استحقاق است، هرچند اینکه استحقاق دقیقاً متضمن چه مفهومی است، مسأله‌ای پیچیده باشد. نظریه تناسب جرم و مجازات از گذشته دور تاکنون میان فلاسفه و مراجع حقوقی و قضایی مطرح بوده است؛ از منظر فیلسوفان آتن، اصل مزبور گرچه به طور مستقل بررسی نشده، اما نتیجه مستقیم قواعد عامی است که آنان درباره نسبیّت و اندازه‌گیری بیان کرده‌اند. پیدایش قانون قصاص در نوع خود کوششی برای جلوگیری از انتقام‌جویی‌های خشن و افراطی و برقراری این تناسب بوده است. از این روست که در ماده ۲۰ منشور بزرگ پادشاه انگلستان که در سال ۱۲۱۵ به تصویب رسیده و یکی از اسناد مهم تاریخ حقوق بشر محسوب می‌شود آمده است: «یک فرد آزاد برای یک بزه کوچک به کیفر نمی‌رسد، مگر بر پایه اندازه آن بزه و برای یک بزه بزرگ بر پایه بزرگی آن بزه به کیفر خواهد رسید» (۱۸).

بین‌المللی و منطقه‌ای همچون ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸ م.)، ماده ۷ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶ م.)، مواد ۲ و ۴ کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه و رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی و وحشیانه (۱۹۸۴ م.)، ماده ۵ (بند ۲) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹ م.)، ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰ م.)، اصل تناسب جرائم و مجازات‌ها و ممنوعیت مجازات‌های نامتناسب را به صورت صریح یا ضمنی مورد تأکید قرار داده‌اند. مهم‌ترین هدف برقراری تناسب میان جرم و مجازات، جلوگیری از ضرر و زیان به خانواده مجرم است، اگر مجازات با شخصیت بزه‌کار تناسب نداشته باشد، اثر سازنده‌ای در وی نخواهد داشت و موجب تکرار جرم و نهایتاً محرومیت خانواده از وجود او یا حقوق و مزایایش خواهد شد که این موضوع با اصل ضرررسانی در تعارض است.

**۴-۴. اصل عدالت:** یکی دیگر از اصول اخلاق زیستی، اصل بنیادین عدالت است. نتیجه اخلاقی که در حیطه اخلاق زیستی، طبق این اصل می‌توان گرفت، آن است که همگان باید صرف نظر از نژاد، جنس، سن و... از امکانات بهداشتی و درمانی بهره‌مند شوند. از این رو عدالت اقتضا دارد که نتوان افراد را در معرض آزمایش‌های خطرناک قرار داد و این حق (آزادی بر حق جان و تن)، بر مزایای اقتصادی و اجتماعی آن غلبه دارد. در مورد طبیعت، تا آنجا که ممکن است، نباید «تعادل طبیعی» را برهم زد و تنها ضرورت‌های بالاتر از طبیعت آن هم به تشخیص اکثریت نمایندگان جامعه جهانی اختیار خدشه بر عدالت طبیعی را به انسان‌ها خواهد داد، اما این اصل محدود به بحث آزمایش‌ها نیست و باید در هر فناوری آن را در نظر گرفت و فناوری را محدود به زیست پزشکی ندانست. باید توجه نمود که فناوری‌های بسیاری در حقوق شکل گرفته‌اند (۱۶) که یکی از این فناوری‌ها به تعبیر میشل فوکو، فناوری مجازات و قدرت است. از آنجایی که مجازات ابزاری در جهت تثبیت قدرت است (۱۷)، باید عادلانه

اعتبار فرهنگ‌ها، زمان‌ها و مکان‌های مختلف دارای مفاهیم متفاوت است (۲۳).

بسندگی و تناسب محدودیت‌هایی هستند که در تعیین کیفر سزاده مناسب مجرم بر دادگاه اعمال می‌شوند. هدف آن‌ها پیشگیری از تبدیل شدن کیفر سزاده به انتقام محض است؛ بنابراین بخشی از حق مجرم برای کیفر دیدن هستند (۲۴). از این رو کیفر سزاده باید بسنده و متناسب باشد. بر پایه این رویکرد، دادگاه نیازمند تدابیر روشن برای ارزیابی بسندگی و تناسب در مورد زیان اجتماعی و کیفر است.

**۵-۲. ملاک‌های تناسب جرم و مجازات:** نوع و میزان مجازات تعیین شده برای جرائم در طول قرون و اعصار و نیز از مکانی به مکانی دیگر تحولات گوناگونی را پشت سر گذاشته است. در اندیشه مجازات نظریه‌هایی از قبیل انتقام، سزا، استحقاق، اصلاح، بازپروری و فایده‌گرایی مشاهده شده و هر کسی از دیدگاهی خاص به آن نگریده است. بنابراین در این که مجرم باید به علت ارتکاب جرم مجازات شود، اتفاق نظر وجود داشته، ولی هدف از اعمال مجازات از دیدگاه همه الزاماً فقط انتقام نبوده، بلکه اصلاح هم مد نظر بوده است.

به نظر می‌رسد که قانونی بودن مجازات اولین و پایه‌ای‌ترین اصل و شرط لازم برای مجازات کردن است، ولی شرط کافی نیست. برای اینکه مجازاتی قانونی باشد، باید شاخص‌هایی را رعایت کند چه این‌که در غیر این صورت خود قانون به عنوان ابزار اعمال زور و قدرت در دست حکومت باقی خواهد ماند. بنابراین باید به قضیه فراتر از این‌ها نگاه کرد و به نظر می‌رسد قسمت اخیر اصل ۹ قانون اساسی نیز از این منظر به قضیه می‌نگرد و به دولت اجازه نمی‌دهد به هر نحوی که بخواهد مجازات تعیین کند.

یکی از این معیارها که در قانونی بودن باید لحاظ کرد، متناسب بودن مجازات است. لزوم رعایت اصل تناسب مجازات به مقدار وسیعی حیطه اختیار حکومت را در تعیین نوع و میزان مجازات محدود می‌کند. این اصل حکومت را در درجه اول

اگر مجازات ابزاری برای تصریح به سرزنش باشد، باید درجات این عدم تأیید اجتماعی در میزان آن منعکس گردد تا از سردرگمی اخلاق عمومی یا شناور شدن آن و نیز وهن به قانون جلوگیری شود. از جنبه عملی نیز مجازات شدیدتر از حد استحقاق، عواقبی نظیر افزایش گذشت ضابطان و قضات، بی‌تأثیری مجازات، تغییر شکل جرم، ارتکاب جرائم دیگر برای فرار از آن توسط مجرم و در برخی موارد ارزش یافتن جرم ارتكابی را به همراه خواهد داشت. اخلاقیون حقوقی، گزینش مجازات‌های نامتناسب را مذمت نموده و تأکید دارند که مجازات‌ها باید سزاوار عمل ارتكابی مجرمین باشد و تناسب جرم و مجازات ارتكابی دقیقاً برقرار شود. اخلاق‌گرایان حقوقی حق بر مجازات‌نشدن را قبول ندارند، بلکه در راستای اجرای عدالت، حق بر مجازات‌شدن را مطرح می‌کنند، البته با رعایت تناسب (۱۹) و شاید در راستای برقراری عدالت کیفری است که برای دولت نیز مسؤولیت کیفری قائل شده‌اند (۲۰).

## ۵. بحث

**۵-۱. مفهوم تناسب، مجازات متناسب و ملاک‌های آن:** تناسب لغتی عربی و از باب تفاعل است که به عملی طرفینی اشاره دارد. در لغت فارسی به معنی به همدیگر پیوندشدن و با هم مناسبت‌داشتن و وجود داشتن نسبت و رابطه میان دو کس یا دو چیز است و برابری در نسبت را نیز تناسب گویند (۲۱). از نظر علم منطق نیز یکی از ارتباطات دو مفهوم کلی (تباین، تساوی، عموم و خصوص من وجه و عموم و خصوص مطلق) است (۲۲). در علم حقوق مفهوم تناسب در رابطه تناسب جرم و مجازات، به اعتبار موقعیت‌های مکانی و زمانی متغیر بوده و هست، چه بسا مجازاتی در زمانی و مکانی متناسب و در زمانی و مکانی دیگر نامتناسب تلقی شود. همین طور ممکن است، مجازاتی در یک زمان و مکان در ارتباط با جرمی متناسب و در ارتباط با جرمی دیگر نامتناسب باشد. بنابراین مفهوم تناسب در درجه اول مفهومی نسبی است و به

اخلاقی مرتبط با جرم‌ها را در جامعه‌های مختلف به گونه‌ای متفاوت مفهوم‌سازی می‌کنند.

برای مثال، شماری از جوامع ممکن است زیان‌رسانی به زندگی انسانی را بسیار شدید بینگارند و متناظر آن کیفرهای بسیار شدیدی برای گرفتن جان انسان تعیین کنند. در برابر آن، جامعه‌هایی که زیان‌رسانی به زندگی انسانی را بسیار شدید نمی‌انگارند چنین زیانی را ممکن است پایین‌تر از زیان به شرافت خانوادگی، دارایی، امنیت ملی و مانند آن بینگارند. از این رو قتل شرافتی (Honor Killing) را ممکن است جامعه‌هایی که شرافت خانوادگی را بالاتر از زندگی انسان درجه‌بندی می‌کنند، قانونی به حساب آورند. شماری از جامعه‌های دیگر ممکن است قتل شرافتی را محکوم کنند، ولی این مجرمان را فقط به شکلی بسیار سبک کیفر دهند. تفاوت میان ارزش‌های جامعه‌ای (Societal Values) به ارزش‌های متفاوتی در شدت جرم‌ها و در نتیجه، به کیفرهای متفاوت بسنده و متناسب می‌انجامد. یکی از روش‌های توجه به این تفاوت‌ها و آشکارکردن ارزش‌های درونی جامعه‌های مختلف بررسی کیفرهای بیشینه، حداکثر برای جرم‌های یکسان در جامعه‌های مختلف است. کیفری که نسبت به شدت جرم، بسنده و متناسب است از نظر نوع و میزان خود برای زیان اجتماعی ناشی از جرم (نیز) بسنده و متناسب است. از این رو باید نوعی همبستگی میان شدت انجام جرم (مربوط به زیان اجتماعی و تقصیر) و شدت کیفر (مربوط به نوع و میزان) آن وجود داشته باشد. ضرورت وجود چنین همبستگی دادگاه را ملزم می‌کند که هم ویژگی‌های غیرشخصی (عینی) جرم و هم ویژگی‌های شخصی مجرم را بررسی کند (۲۴). حقوق جنایی متکی بر اخلاق زیستی باید با برقراری تناسب جرم و مجازات از رهگذر شناسایی شدت جرم، در جهت حفظ حقوق جامعه گام بردارد.

۵-۲-۲. **علل مخففه و مشدده:** در قلمرو جنایات داخلی، یکسری علل مخففه و مشدده وجود دارد که در قانون مجازات

ملزم به توجیه اعمال مجازات و جرم‌انگاری عمل و متعاقب آن تبیین مجازات برای آن و در وهله بعدی توجیه تعیین نوع مجازات و میزان آن می‌نماید. بنابراین دولت نیز مثل قاضی که باید حکم به مجازات از طرف او مستدل و مستند و موجه باشد، باید اقدامات خود را توجیه کند.

تردیدی نیست که اولاً هیچ حکومتی نمی‌تواند به دلخواه خود اقدام به جرم‌انگاری و سپس تعیین مجازات نماید. حقوق و آزادی‌های فطری را نمی‌توان نادیده گرفت. در مرحله تعیین مجازات نیز نمی‌توان استدلال کرد که چون هدف بازداشتن افراد از ارتکاب جرم است، پس می‌توان هر نوع مجازاتی را تعیین و اعمال کرد؛ ثانیاً معیارهای فرهنگی هر جامعه‌ای در تعیین نوع و میزان مجازات مؤثر است. این نکته از بعد جرم‌شناسی نیز توضیح مشابهی دارد و عبارت است از اینکه چون مجازات باید جنبه بازدارندگی داشته باشد ممکن است نوع خاصی از مجازات در جامعه‌ای بازدارنده باشد، ولی در جامعه‌ای دیگر چنین نباشد. دو ملاک مهم تناسب عبارت‌اند از:

۵-۲-۱. **شدت جنایت:** یکی از تدابیر گسترده که می‌تواند حائز اهمیت باشد، شدت جرم بر مبنای تعریف قانونی جرم است. شدت جرم را به طور عینی و مؤلفه‌ای جهانی در ارتباط با همه جامعه‌های انسانی تعیین نمی‌کنند. جامعه‌های مختلف رویکردها و برداشت‌های اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی یا اقتصادی مختلفی دارند. این تفاوت‌ها می‌توانند شدت‌های مختلفی از کیفر و در نتیجه کیفرهای متفاوتی را برای جرم‌های یکسان به بار آورند، در نتیجه شدت جرم را باید در ارتباط با برداشت‌های کلی یک جامعه خاص در مورد زیان اجتماعی ناشی از جرم بررسی کرد.

درجه‌بندی زیان اجتماعی ناشی از جرم پویا است و در جامعه‌های مختلف و در زمان‌های مختلف درون یک جامعه تغییر می‌کند. هیچ معیار عامی برای درجه‌بندی زیان اجتماعی هر جرم خاص وجود ندارد. ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و

و در غیر این صورت، چهره مشروع خود را از دست می‌دهد. برقراری تناسب بین جرم و مجازات، اصول بنیادین حقوق جنایی اخلاق زیستی را محقق ساخته و باعث می‌گردد که این اصول هیچ وقت با خدشه مواجه نشوند. در سایه تحقق و احترام به اصول حقوق جنایی اخلاق زیستی در مراحل مختلف کیفری، شاهد پیشگیری از ضرررسانی و تضمین احترام به اشخاص انسانی خواهیم بود، حتی اگر این شخص بزه‌کار باشد. توجه به شدت جرم ارتكابی و مؤلفه‌های مخففه و مشدده می‌تواند ملاک‌های قابل اتکایی جهت برقراری تناسب جرم و مجازات باشند که در صورت برقراری این اصل، حقوق جنایی اخلاق زیستی به منصفه ظهور رسیده و حقوق بشری انسان مجرم نیز پایمال نمی‌شود، چراکه مجرم نیز عضوی از خانواده بشری است و باید به فکر بازپروری و اصلاح وی بود.

#### ۷. تقدیر و تشکر

از تلاشگران عرصه اخلاق زیستی و پژوهشگران مجله اخلاق زیستی کمال تشکر و قدردانی را داریم.

#### ۸. سهم نویسندگان

این پژوهش مستخرج از رساله دکتری است که سهم نویسندگان عبارت است از:  
مریم قاضیان: نگارش مقاله.  
علیرضا میرکمالی و اکبر رجبی: نظارت و راهنمایی.

#### ۹. تضاد منافع

پژوهش حاضر، فاقد هرگونه تضاد منافع است.

اسلامی ۱۳۹۲ مورد اشاره قرار گرفته است. جنایات بین‌المللی همچون نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و... از لحاظ آثار و تبعات، بسیار شدید و خسارت‌بار هستند. از همین رو به همین میزان نیز به شدت قابل سرزنش بوده و واکنش کیفری کشورها در قالب اصل صلاحیت جهانی و همچنین واکنش جامعه جهانی در قالب دادگاه‌های کیفری بین‌المللی با مجازات‌های شدید و سنگین صورت می‌پذیرد، لذا در پاسخ به این سؤال که آیا کیفر این جنایات، باز هم با فرض احراز کیفیات مشدده کیفر، قابل تشدید است یا خیر، با کمی تردید مواجه می‌شویم. از لحاظ فلسفه کیفرگذاری و کیفردهی، وجود این کیفیات برای این جنایات قابل تصور است، اما در متون حقوق بین‌الملل عرفی و حقوق کیفری بین‌المللی، این کیفیات و همچنین معیار و میزان تشدید ناشی از آن‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از سوی دیگر کیفیات مخففه نیز یکی از ابزارهای کاهش میزان کیفر و فردی کردن آن است (۲۵).

#### ۶. نتیجه‌گیری

امروزه، توجه به حقوق جنایی اخلاق زیستی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. اصول عدالت، ضرررسانی و احترام به اشخاص که در پژوهش حاضر بدان‌ها اشاره شد، از پایه‌های وزین شکل‌گیری حقوق جنایی اخلاق زیستی است. از آنجایی که حقوق جنایی، به مثابه بارزترین اهرم و بازوی نظام سیاسی در راستای برقراری امنیت در جامعه برشمرده می‌شود، باید نگاه ویژه و کرامت‌مداری به اشخاص انسانی داشته باشد، اصل عدالت را در نظر گرفته و از ضررهای زیستی، پیشگیری کیفری به عمل آورده و در تعبیری کلی، حقوق جنایی اخلاق زیستی را به منصفه ظهور برساند.

هدف حکومت و حقوق جنایی، حمایت از شهروندان است. از این رو منطقی به نظر می‌رسد که نتیجه گرفت حکومت و حقوق جنایی زمانی به صورت مشروع عمل می‌کند که مقوله تناسب جرم ارتكابی و مجازات را سرلوحه کار خویش قرار دهد

## References

1. Keyniya M. Fundamentals of Criminology. Tehran: Tehran University Press; 2017. Vol.2. [Persian]
2. Shamloo B. The principle of criminal innocence in modern judicial systems in the collection of criminal science articles. Tehran: Samt Publications; 2011. [Persian]
3. Schaller B. Understanding of Bioethics and the Law. Texas: Library of Congress Cataloging-in Publication Data; 2008.
4. Saed M. Ensuring the principle of respect for individuals from the perspective of bioethics criminal law, in the collection of articles of the Encyclopedia of Criminal Sciences. Tehran: Mizan Publications; 2018. [Persian]
5. Foley E. Liberty for All, Reclaiming Individual Privacy in New Era of Public Morality. New Haven: Yale University Press; 2006.
6. Qari Seyed Fatemi M. Human Rights in the Contemporary World. Tehran: Shahid Beheshti University Press; 2003. [Persian]
7. Kant I. The Metaphysics of Morals. Cambridge: Cambridge University Press; 1991.
8. Beyleveled D. Human dignity in Bioethics law and Biolaw. Oxford: Oxford University Press; 2001.
9. Rahiminejad E. Criminology. Tabriz: Forozesh Publication; 2017. [Persian]
10. Rahbar Pour MR. The Concept of Biological Ethics and Its Territory. *Bioethics Journal*. 2011; 1(1): 13-48. [Persian]
11. Abbasi M, Akrami F. From Transgenic Organisms towards Transhumanism: Necessity of Ethical Assesment and Legislation. *Bioethics Journal*. 2018; 8(30): 7-8. [Persian]
12. Akrami F, Karimi A, Abbasi M, Shahrivari A. Adapting the principles of biomedical ethics to Islamic principles and values in the context of public health policy. *Journal for the Study of Religions and Ideologies*. 2018; 17(49): 46-59. [Persian]
13. Mohammadi A. Rules of Jurisprudence. 13th ed. Tehran: Mizan Publishing; 2014. [Persian]
14. Makarem Shirazi N. Al-Qawa'd al-Fiqhiyyah. Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib School Publishing; 1411 AH.
15. Hajivand A, Mirkamali A. Jurisprudence, Legal and Criminology Foundations of Differential Proceeding of Green Crimes. *Legal Search Journal*. 2018; 2(4): 143-174. [Persian]
16. Elsan M. Principles of Bioethics. *Law Research Journal*. 2007; 10(45): 55-75. [Persian]
17. Sadati M. Punishment and Social Control. Tehran: Mizan Publication; 2019. [Persian]
18. Rahmdel M. Proportionality of crime and punishment. Tehran: Samat Publications; 2017. [Persian]
19. Husak D. Over criminalization. Oxford: Oxford University Press; 2008.
20. Hajivand A, Mirkamali A, Safari F. Government Criminal responsibility for environmental crimes in Iran, Necessities and Challenges. *Environmental Sciences*. 2018; 16(2): 65-82. [Persian]
21. Dehkhoda AA. Dehkhoda Dictionary. Tehran: University of Tehran Press; 2017. Vol.14. [Persian]
22. Khansari M. Formal Logic. Tehran: Agah Publications; 2005. [Persian]
23. Rahmdel M. Proportionality of crime and punishment. Tehran: Samat Publications; 2017. [Persian]
24. Holloway G. Modern Doctrinal Punishment. Translated by Shojaei A. Tehran: Dadgostar Publications; 2014.
25. Razavifard B. International Criminal Law. Tehran: Mizan Publications; 2015. [Persian]



## Majale "Akhlaq-i zīstī" (i.e., Bioethics Journal)

2021; 11(36): e13

<https://doi.org/10.22037/bioeth.v11i36.33363>



### ORIGINAL RESEARCH



## Ethical and Legal Research on the Concept, Principles and Criteria of Proportionality of Crime and Punishment with a View to Criminal Law of Bioethics

Maryam Ghazian<sup>1</sup> , Alireza Mirkamali<sup>2\*</sup> , Akbar Rajabi<sup>3</sup>

1. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Khomein Branch, Khomein, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Khomein Branch, Khomein, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

#### Article history:

**Received:** 17 February 2021

**Accepted:** 16 September 2021

**Published online:** 19 October 2021

#### Keywords:

Proportionality of Crime and Punishment

Human Dignity

Criminal Law

Bioethics

Principle of Respect for Persons

Principle of Non-Harm

### ABSTRACT

**Background and Aim:** Bioethical criminal law refers to the set of rights that govern criminal law, which is based on the central principles of bioethics. One of the categories that should be based on the principles of bioethics in criminal law is the proportionality of crime and punishment, which this study is very important in this regard. The main purpose of this article is to introduce the principles and criteria of proportionality in bioethical criminal law.

**Materials and Methods:** This descriptive-analytical study first considers two important principles of bioethics as the basic principles of research and examines its relationship with the category of proportionality, then analyzes the concept and basis of the category of proportionality of crime and punishment and in the last speech the criteria Proportion is examined in criminal matters.

**Ethical Considerations:** In order to organize this research, criteria related to research ethics and fiduciary in research references have been observed.

**Findings:** Prohibition of disproportionate punishments is one of the most important issues in criminal law, which is now called the principle of proportionality of crime and punishment. Criminal protection of morality has always been the focus of moral philosophers, but this study deals with the protection of morality and its components from the category of punishment. Prohibition of disproportionate punishments that have moral and legal roots must be analyzed morally and legally in order to emerge modern punishment.

**Conclusion:** This study, examines the moral and legal prohibition of disproportionate punishments in criminal law with emphasis on the two moral components of justice and human dignity. Results show that in accordance with the moral principles of human dignity and the implementation of criminal justice and based on legislative foundations, punishment must be commensurate with the crime committed and the need to observe the principle of proportionality in criminal law on legal and moral grounds in both the legislative and criminal stages is obvious and necessary. The principle of respect for persons and non-harm as important principles of bioethics, by establishing the proportion of crime and punishment, forms the criminal law of ethics, which is the creator of a just and wise criminal policy.

\* Corresponding Author: Alireza Mirkamali

Address: Department of Criminal Law and Criminology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Postal Box: 55138681

Email: a\_mirkamali@sbu.ac.ir

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Ghazian M, Mirkamali AR, Rajabi A. Ethical and Legal Research on the Concept, Principles and Criteria of Proportionality of Crime and Punishment with a View to Criminal Law of Bioethics. *Majale "Akhlaq-i zīstī" (i.e., Bioethics Journal)*. 2021; 11(36): e13.